نظام قادر نیست در دو جبهه بجنگد

حسن بهگر



بسیاری از ما ایرانیان از وضعیت پیش آمده برای کشورمان متأثر و متأسفیم و خون دل می خوریم. کشور در بیداد و سرکوب و استبداد می سوزد و از جانب دیگرتحریم و گرانی دارو و موادغذایی بر شدت این بحران خانمانسوز افزوده است.

ملایان حاکم برای مقابله با طرح خاورمیانه بزرگ آمریکا، طرح خاورمیانه اسلامی را طراحی کردند. این سیاست برای جمهوری اسلامی با بذل و بخشش سخاوتمندانه از کیسه ی ملت ایران به گروه هایی چون حزب الله و حوثی ها ادامه یافته و برای ملت ایران بسیار سنگین تمام شده است. عدم توجه به معیشت مردم همراه با تحریم همه جانبه ی آمریکا و ندادن آزادی به مردم و ادامه سرکوب و اعدام ها مردم و کشور را در موقعیتی خطرناک قرار داده است. حکومت پاسخگوی مطالبات عادی مردم نیست و با سرکوب و اعدام می خواهد کشور را اداره کند در حالیکه دشمنان ایران با مخارج سرسام آور مزدوران بسیاری را در رسانه ها و مرزهای ایران تجهیز کرده اند و خطری عظیم برای کشور ساخته شده که موجودیت ایران را به مخاطره انداخته است.

به تازگی رژیم برای مقابله با تبلیغات خارجی متوسل به افرادی از اپوزیسیون شده تا از حس استقلال و وطنخواهی آنان برای مقابله با دشمنان خارجی استفاده کند در صورتی که این کار بی ثمر است زیرا این کار حتی اگر اپوزیسیون به رژیم اعتماد کند که نمی کند، بدون رضایت مردم داخل ثمر نخواهد داد.

اگر رژیمی پشتیبانی ملت را نداشته باشد دیر یا زود باید به آغوش خارجی پناه ببرد. رژیم تا ابد نمی تواند در پناه سرکوب و اعدام های بیشتر به حیات خود ادامه بدهد. احزاب و سازمان های سیاسی واقعی تعطیل هستند و اصلاح طلبان با نام های گوناگون در این میان جولان می دهند که نه حرفی برای گفتن دارند و نه کاری برای مردم

کرده اند و نه اعتباری نزد مردم دارند و ازهمه بدتر اینکه جلو جلو بیشترشان با آمریکا ساخت و پاخت کرده اند.

پناه بردن به روسیه و چین می تواند موقتاً راه نجاتی برای رژیم باشد ولی در شرایط استیصال پناه بردن به خارجی بدون دادن امتیاز نخواهد بود و این به منزله زیرپا گذاشتن استقلال خواهد بود. در شرایطی که بیش از شش میلیون از اتباع کشور به خارج رانده شده اند که بیشترین آنها را افراد تحصیل کرده و کاردان تشکیل می دهد این راندن سرمایه های حقیقی کشور بخارج ادامه دارد و رژیم با این سیاست نمی تواند با دشمن خارجی مبارزه کند.

در نهایت جبهه ی داخلی سرنوشت رژیم را رقم می زند و این جبهه حال و روزش نیازی به توصیف ندارد.

گفتار درمانی پراکنده در رادیو و تلویزیون و مثلاً انتقاد از خود نمایش مهوع و نخ نمایی است که اعتماد هیچکس را برنمی انگیزد. مقصر اصلی این فاجعه، ندانم کاری و حماقت و جنایت خود رژیم است.

این باز کردن فضای باز سیاسی نیست. همه می دانند خودی ها مصون هستند و رژیم تا بن دندان فاسد و ریاکار است. کیست که نداند رژیم شبانه روز در صدد راه اندازی اینترنت داخلی یا شبکه ملی اطلاعات است تا بسیاری از اخبار را هم فیلتر شده بخورد مردم بدهد. در این صورت وضعیت بدتر خواهد شد و تبلیغات خارجی از طریق تلویزیون های ماهواره ای مؤثرتر عمل خواهد کرد. اگر مردم از داشتن اخبار درست و فیلتر نشده محروم نبودند و اگر از کوچکترین سرگرمی طبیعی منع نمی شدند، رسانه های خارجی نمی توانستند با راه اندازی برنامه موزیک و سریال و غیره تبلیغات زهرآگین را در خانواده ها رواج دهند.

در انقلاب 57 دولت خارجی ما را تهدید نمی کرد و با پیوستگی میلیونی مردم در انقلاب کسی جرأت این کار را نداشت و اگر امروز گروه های تجزیه طلب فعال شده اند به خاطر از دست رفتن وحدتی است که رژیم خودش از میان برده و نیروهای خارجی هم بر آن سرمایه گذاری کرده اند.

دولتِ ملی یا ملت-دولت (Nation-State) نوع خاصی از دولت ویژه ی جهان مدرن است که ملت در آن حق حاکمیت دارد و در چنین کشوری افراد ملتش شهروند محسوب می‌شوند. بدین ترتیب با منکر شدن حقوق شهروندی و امت نامیدن مردم، جمهوری اسلامی تیشه به ریشه ملت- دولت

زده است. تناقض قوی که امروز ایجاد شده است بسیار خطرناک است و دشمنان ایران همین تناقض را تشدید می کنند زیرا موجودیت ایران را نشانه گرفته اند. شک نیست تظاهرات این چند سال اخیر ثابت کرده است که مردم از این حکومت ناراضی هستند و آن را نمی خواهند.

مدتهاست مردم و دولت دو راه متفاوت را برگزیده اند و فقط تهدید خارجی است که مردم را دست به عصا کرده و عبرت از سرنوشت کشورهای ویران شده در خاورمیانه موجب شده که مردم یکپارچه به میدان نیایند. اعمالِ قدرت دولت در سرکوب اعتراضات و جمع کردن آن در مدت کوتاه ظاهراً از امتیازات حکومت بشمار می رود ولی با وجود تبلیغات گسترده و آوردن نادمین به تلویزیون، نتوانسته است اعتماد مردم را جلب کند و مردم نومید و سرخورده همچنان فرار از کشور را برقرار در آن ترجیح می دهند و بیش از شش میلیون از مردم به خارج پرتاب شده اند.

انواع تبعیضات دینی، قومی و جنسیتی هر روز مردم را جدا از همدیگر نگهمیدارد در حالیکه حکومت برای ایستادن در برابر دشمنان خارجی خواستار یک ملت یکپارچه است. نابرابری اقتصادی همراه با نابرابری حقوق سیاسی یک جامعه انفجاری ساخته است.

سماجت و دیوانگی حکومت و تبلیغاتی که هر روز بر این شکاف می افزاید و این دو خط متنافر را بیشتر از هم دور می‌کند و بدین ترتیب هیچ جا این دو خط یکدیگر را قطع نخواهند کرد و قیام مردم و فروپاشی حاکمیت قطعی است زیرا کار به جایی رسیده است که عملاً نمی تواند از ایدئولوژی اش دست بر دارد و حتا در این شرایط هنوز بر مسأله حجاب و سرکوب مردم پافشاری می کند. ولی دیر یا زود در مقابل فشار گازانبری مردم در داخل و فشارخارجی ، از پا درخواهد آمد.

حسن بهگر

۳ مهر ۱۳۹۹

2020-09-24

برگرفته از سایت ایران‌لیبرال